



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد نراق

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته حقوق گرایش  
جزا و جرم شناسی

عنوان

**مبانی جرم انگاری توهین به مقدسات دینی**

استاد راهنما

دکتر حامد رستمی نجف آبادی

تاریخ دفاع: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷

نگارش

محمد جمشیدیان

آذرماه ۹۷

## فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	فصل اول : مفاهیم و کلیات تحقیق.....
۲	۱- ۱- مقدمه.....
۳	۱- ۲- بیان مساله.....
۴	۱- ۳- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۵	۱- ۴- اهداف تحقیق.....
۵	۱- ۵- سوالات و فرضیه های تحقیق.....
۵	۱- ۶- پیشینه ی تحقیق.....
۶	۱- ۷- نوآوری تحقیق.....
۶	۱- ۸- کاربردهای تحقیق.....
۷	۱- ۹- روش تحقیق.....
۷	۱- ۱۰- ساختار تحقیق.....
۷	۱- ۶- واژه شناسی پژوهش.....
۷	۱- ۱- ۱۱- مفهوم جرم انگاری.....
۸	۱- ۲- ۱۱- مبانی جرم انگاری.....
۹	۱- ۳- ۱۱- اصول جرم انگاری.....
۱۰	۱- ۴- ۱۱- مفهوم اهانت و تمایز آن از مفاهیم مشابه.....
۱۴	۱- ۴- ۱- ۱۱- تشخیص اهانت در قانون.....
۱۵	۱- ۵- ۱۱- دین.....
۱۸	۱- ۶- ۱۱- مقدسات.....
۱۹	۱- ۶- ۱- ۱۱- کاربرد واژه ی مقدس.....
۲۰	۱- ۶- ۲- ۱۱- مصادیق قداست در ادیان الهی.....
۲۲	۱- ۶- ۳- ۱۱- تشخیص مقدسات در قانون.....
۲۳	۱- ۷- ۳- ۱۱- جرم توهین به مقدسات.....
۲۴	فصل دوم : تاریخچه و فلسفه ی جرم انگاری اهانت به مقدسات.....
۲۴	۱- ۲- ۱- پیشینه ی واکنش ادیان نسبت به توهین به مقدسات.....
۲۴	۱- ۲- ۱- آیین زرتشت.....

۲۵	۱-۲-۲-آیین بودا.....
۲۵	۱-۳-۲-دین یهود.....
۲۷	۱-۴-۲-دین مسیح.....
۲۹	۱-۵-۲-دین اسلام.....
۳۰	۲-۲-تاریخچه‌ی جرم انگاری توهین به مقدسات در قوانین.....
۳۵	۳-۲-جرم انگاری توهین به مقدسات در اسناد حقوق بشر.....
۳۷	۴-۲-عوامل مختلف توهین به مقدسات در طول تاریخ.....
۳۷	۱-۴-۲-نظام ها و حاکمیت های سیاسی.....
۳۹	۲-۴-۲-تعصبات قومی ، نژادی و دینی.....
۴۱	۳-۴-۲-نگرش و عملکرد رهبران و رجال دینی.....
۴۶	۵-۲-فلسفه ی جرم انگاری اهانت به مقدسات.....
۴۹	<b>فصل سوم مبانی و اصول کلی جرم انگاری .....</b>
۵۱	۱-۳-مبانی جرم انگاری.....
۵۱	۱-۱-۳-آزادی مطلق تا سر حد آزادی دیگران.....
۵۴	۲-۱-۳-سودمندی و فایده گرایی.....
۵۸	۳ - ۱ - ۳-کثرت گرایی ارزشی .....
۶۱	۲-۳-اصول جرم انگاری.....
۶۱	۱-۲-۳-اصل ضرر.....
۶۲	۲-۲-۳-اصل پدر سالاری.....
۶۳	۳-۲-۳-اصل اخلاق گرایی.....
۶۵	۳-۲-۳-اصل مصلحت عمومی.....
۶۷	۳-۳-جرم انگاری در فقه اسلامی.....
۶۷	۳-۳-۱-معیارهای اسلامی جرم انگاری.....
۶۸	۳-۳-۲-نظریه‌ی مقاصد.....
۶۹	۳-۴-سیاست جنایی اسلام .....
۷۵	<b>فصل چهارم بررسی مبانی جرم انگاری توهین به مقدسات.....</b>
۷۵	۱-۴-مبانی حقوقی جرم انگاری توهین به مقدسات .....
۷۶	۱-۱-۴-اصل ضرر و توهین به مقدسات دینی.....
۷۹	۲-۱-۴-اصل مصلحت عمومی و جرم اهانت به مقدسات دینی.....

۳-۱-۴-اصل اخلاق گرایی و جرم اهانت به مقدسات دینی.....	۸۳
۴-۱-۴-اصل پدرسالاری و جرم اهانت به مقدسات دینی.....	۸۵
۴-۲-۴-مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات در فقه اسلامی.....	۸۶
۴-۲-۴-۱-حفظ مصالح خمسه.....	۸۶
۴-۲-۴-۲-حفظ مصلحت عمومی.....	۸۷
۴-۳-۴-تحلیل مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی و سب النبی در اسلام.....	۸۷
۴-۴-بررسی منابع توهین به مقدسات در اسلام.....	۹۰
۴-۴-۱-قرآن کریم.....	۹۰
۴-۴-۲-روایات.....	۹۲
۴-۴-۳-اجماع.....	۹۵
۴-۴-۴-عقل.....	۹۶
۴-۴-۴-۱-اهانت مانع گفتگوی مسالمت آمیز.....	۹۷
۴-۴-۴-۲-اهانت مانع تساهل و بردباری مذهبی.....	۹۹
۴-۴-۴-۳-اخلال در نظم ، امنیت و وحدت ملی.....	۹۹
۴-۵-توهین به مقدسات در آئینه ی قانون.....	۱۰۱
۴-۶-جرم انگاری توهین به مقدسات و آزادی بیان.....	۱۰۴
<b>فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهادها.....</b>	۱۰۹
۵-۱-نتیجه گیری.....	۱۰۹
۵-۲-پیشنهادها.....	۱۱۲
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۱۴
چکیده انگلیسی.....	۱۲۱

## چکیده:

مقدسات دینی، افراد، اشخاص، مفاهیم، نهادها و نمادهای مورد احترام دینداران است که اهانت به آنها موجب برانگیختگی عاطفی اعضای آن جامعه گردیده و می تواند زمینه ساز رفتارهای افراطی و مخاطرات جدی امنیتی در سطح ملی و بین المللی گردد. اعتقاد به مقدسات در بین انسان ها سابقه ای طولانی دارد و از همان آغاز با بشر همراه بوده است. همین امر باعث شده هیچ گاه توهین به مقدسات را برنتافته و در برابر آن واکنش نشان دهد. متأسفانه هر از چند گاهی اخباری از گوشه و کنار این جهان پهناور مبنی بر بی احترامی به مقدسات از سوی افراد مختلف به اشکال مختلف به گوش می رسد که این افراد با بهانه های مختلف با اختیار حاصله از آزادی بیان مبادرت به این امر ناشایست می نمایند و موجبات رنجش خاطر را فراهم می نمایند. ایجاد قوانین حمایتی مختلف در راستای حمایت از مقدسات در طول تاریخ در همین راستا می باشد. اهانت به مقدسات در قوانین موضوعه ایران نیز مورد توجه جدی قرار گرفته و با عنوان جرم از آن نام برده شده است جرم انگاری به معنی تعیین مجازات برای زیر پا گذاشتن ارزش های اساسی در هر جامعه به این امر کمک می کند. در این بین شناخت مبانی جرم انگاری و به عبارتی دیگر چرایی ممنوع بودن جرم اهانت به مقدسات دینی بسیار مهم می باشد و می تواند به بسیاری از ابهامات در این زمینه پاسخ دهد. به بیان دیگر مقصود از مبانی جرم انگاری عواملی است که حکومت رفتار تابعان خود را بر اساس آن محدود می کند. جرم انگاری اهانت به مقدسات مبتنی بر اصل ضرر، اخلاق گرایی و مصلحت عمومی است و این امر با اصل آزادی بیان منافاتی ندارد.

**واژگان کلیدی:** مقدسات، اهانت، اصل ضرر، اصل اخلاق گرایی، آزادی بیان.

## فصل اول :

### ۱- کلیات تحقیق

در این فصل به تبیین و توضیح اجمالی موضوع رساله که مشتمل بر مقدمه ، ضرورت و بیان مسأله، سؤالات اصلی و سؤالات فرعی، پیشینه ی پژوهش و اهداف آن است می پردازیم.

#### ۱-۱-مقدمه:

ارج نهادن و احترام گذاردن به افراد و همچنین محترم داشتن چیزهایی که نزد وی عزیز و ارزشمند می باشد و بدان تعلق خاطر دارد، یکی از آموزه های مهم دینی و همچنین یکی از سجایای اخلاقی و اصول مسلم تربیتی است که سبب تحکیم مبانی اخلاقی، رشد فرهنگی، استقرار روابط صمیمانه و حسن همجواری میان انسانها در جوامع خواهد شد. در عین حال بی شک، عدم رعایت این خصلت پسندیده نیز به نوبه ی خود میتواند موجب بروز اختلافات، کدورت ها و احتمالاً دشمنی های کوچک و بزرگی میان افراد گردد. اساساً به همین منظور نیز بوده که گفته شده است ارج نهادن به حرمت و شرافت فردی و اجتماعی افراد و همچنین اعتقادات، باورها، ارزش ها و مقدسات آنان و جلوگیری از تعرض و مهتوک شدن آنان، لازمه ی حیات اجتماعی و بقاء جوامع انسانی می باشد .

اهانت به مقدسات به دلیل آن که در طول تاریخ ضربات مهلکی به ریشه و تداوم جریانات فکری ، مذهبی و عقیدتی وارد کرده است ؛ به صورت موضوعی درآمده که دائماً در کانون توجه و حساسیت مکاتب و ادیان و جریان های اجتماعی و حتی سیاسی قرار گرفته است و سنگین ترین مجازات ها هم برای آن تعیین شده است .

در این میان بحث رویکرد نظام عدالت کیفری در نوع تعامل و یا تقابل با این پدیده نیز جای تأمل بسیار دارد. زیرا جرم انگاری یا عدم جرم انگاری توهین به مقدسات در نظام عدالت کیفری به نوبه ی خود

تاثیر بسزایی در وقوع چنین رخدادی خواهد داشت. بدیهی است که مبانی و اصول توجیه کننده ی جرم انگاری از این منظر فراملی و فرادینی خواهد بود. به بیان دیگر با توجه به این که دلایل جرم انگاری توهین از منظر درون دینی منصرف به همان دین خواهد بود. لازم است جرم انگاری توهین به مقدسات دینی مستند به اصولی جامع و فراگیر گردد که در همه ی نظام های حقوقی قابل تسری باشد. وانگهی این سوال به وجود می آید که آیا با جرم انگاری توهین به مقدسات دینی یک جامعه و یا برخی از احاد آن، حقوقی مانند آزادی بیان پایمال می شود؟ به یقین در پاسخ به این سوال باید به تفاوت های فرهنگی، ارزشی و از همه مهم تر رابطه ی قدرت حاکم بادین توجه کرد. ولی آنچه روشن است این است که در همه ی جوامع حتی جوامع غیر مذهبی و سکولار مقدساتی وجود دارد که توهین به آن ها آزادی بیان را محدود می کند. به بیان دیگر وقتی صحبت از مقدسات به میان می آید با پدیده ای روبرو می شویم که با انسانیت انسان و فطرت او در ارتباط است و سابقه اش به قدمت حیات آدمی بازگشت دارد، از ابتدا با او همزاد بوده و تا انتها با او همراه است.

## ۱-۲ بیان مساله:

جرم توهین از جمله جرایم بر ضد حیثیت اشخاص است که با توجه به کیفیت ارتکاب جرم و موضوع یا مخاطب توهین، به توهین ساده و مشدد تقسیم می گردد و اهانت به مقدسات مذهبی به اعتبار موضوع، که افراد یا اماکن یا اشیای مقدس و مورد احترام هستند، در زمره ی توهین مشدد قرار می گیرد (موسوی کسمایی، ۱۳۷۸: ۸) در تمام جوامع چه بدوی چه معاصر، به نحوی اعتقاد به مقدسات وجود داشته است. به طوری که هیچ گونه اهانتی نسبت به آن را بر نمی تافتند. اسلام نه تنها توهین به مقدسات را امری نکوهیده و مستحق مجازات دانسته است. بلکه بر عدم اهانت به مقدسات مشرکین نیز تأکید نموده است.

در حقوق ایران مقدسات دینی و مقامات مذهبی، مورد حمایت حقوقی قرار گرفته اند و اهانت به آن ها از جرایم مهم به شمار می رود. قانون گذار در ماده ی ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جرم سب النبی (ص) و همچنین در مواد ۵۱۴ و ۵۱۵ به جرم اهانت به مقامات مذهبی پرداخته است.

اما واژه های اهانت و همچنین مقدسات در هاله ای از ابهام قرار دارند و همین امر موجب گردیده متهمانی که با همین عنوان یعنی «توهین به مقدسات» تحت تعقیب قرار می گیرند. عمل ارتكابی خود را یا اهانت نمی دانند یا قائل به عدم مقدس بودن موضوع اتهام خود می باشند همچنین نسبت به واژه ی

مقامات مذهبی نیز ابهاماتی وجود دارد. علاوه بر این، هر چند توهین به مقدسات امر جدیدی نبوده و به دین خاصی هم محدود نیست، در دنیای مدرن افزون بر شیوه های سنتی، ابزارهای جدیدی در اختیار بشر قرار گرفته که اقدام های موهن صوتی یا تصویری، امکان اشتراک گذاری و بازنشر گسترده و مکرر یافته اند و به زمان و مکان خاصی هم محدود نمی شوند. خطر برهم خوردن نظم داخلی کشورها یا حتی در شعاع منطقه ای و بین المللی یا خشونت های بی پایان در نتیجه ی انتشار گسترده این قبیل آثار که باعث جریحه دار شدن احساسات میلیون ها انسان می گردد، امر دور از انتظاری نیست.

هدف حقوق، ایجاد و تضمین نظم در جامعه است. ملتزم شدن به نظم حقوقی و قبول محدودیت های ناشی از آن، وابسته به بهره مندی بهینه انسان از آزادی و امنیت است. جرم انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای نقض ارزش های اساسی، ابزاری در دسترس نظم حقوقی برای حمایت از ارزش ها است. حفظ حرمت و کرامت انسان و احترام به آزادی او و از جمله آزادی باور دینی از ارزش های مهمی است که حمایت از آن بر عهده ی نظم حقوقی است. پس مطالعه ی این ریشه های الزام آور یا همان مبانی جرم انگاری توهین به مقدسات امر مهمی است. در علم حقوق، منظور از مبنا، منبع نیرومندی است که نیروی الزام آور قانون از آن ریشه می گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۹) و نظم سیاسی حاکم با استناد به آن، با سازوکار متناسب، قانون را اجرا میکند. یکی از ریشه های الزام حقوق و قانون، اراده ی خداوند و یا آموزه ها و تعلیمات دینی است. اعتقادات دینی یا افراد و اشیاء مورد احترام ادیان یا دینداران، با موضوع هتک و توهین مواجه بوده و واکنش هایی مقرر کرده اند؛ هر چند ممکن است نوع و کیفیت واکنش ها در برابر توهین به مقدسات دینی با توجه به تعالیم و آموزه های ادیان متفاوت باشد. بدین لحاظ وقتی سخن از مبانی دینی جرم انگاری می شود، تمرکز بحث بر دلایل و مستندات است که واکنش ها را سازمان داده یا قادر است با توجه به اصول و موازین جرم انگاری، مبنای قانون و تنظیم پاسخ کیفری یا غیر کیفری قرار گیرد آیا در حقوق اسلام مبانی روشنی در این زمینه وجود دارد؟ همچنین مبانی جرم انگاری این جرم در قانون مجازات اسلامی چیست؟ آیا این مبانی با مبانی فقهی مطابقت دارد؟ بنابراین پس از مشخص شدن ابهامات قانون باید به مطالعه ی مبانی یا به تعبیر دقیق تر ریشه های دینی ممنوع بودن توهین به مقدسات بپردازیم.

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

توهین به مقدسات ادیان دارای ریشه های الزام کننده ی دینی است، که می تواند مبنای نظم حقوقی قرار گیرد و با توجه به اصول و موازین مورد نظر در جرم انگاری، باید دید اهانت و تمسخر باور انسان ها



با چه معیارهایی قابل توجیه است . با شناخت مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات ، شیوه های تقنینی و اجرایی ، تشخیص وقوع جرم و مجازات متناسب با آن باید به گونه ای انتخاب شوند که آثار و تبعات نابهنجار و غیرقابل تحمل نداشته باشند و خلأها و ابهامات قانونی موجود نیز برطرف شوند .

#### ۴-۱-اهداف تحقیق

امروزه پرونده های کیفری فراوانی در مراجع قضایی مطرح می گردند ، که متهمان آن ها با عنوان مجرمانه ی «توهین به مقدسات و مقامات مذهبی» تحت تعقیب قرار می گیرند . اما ابهامات زیادی در این خصوص وجود دارد که کار را بر قضات دشوار نموده است . بنابراین این پژوهش با مشخص کردن مبانی جرم انگاری توهین به مقدسات می تواند به کمک قضات بیاید و از لحاظ عملی نیز راهگشا باشد . از طرفی با مشخص شدن مبانی بسیاری از ابهامات قانونی نیز برطرف می شود .

#### ۵-۱-سوالات و فرضیه های تحقیق

##### ۵-۱-۱ سوالات تحقیق

۱.مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات از منظر حقوقی چیست ؟

۲.مبانی فقهی جرم اهانت به مقدسات چیست ؟

۳.آیا جرم انگاری اهانت به مقدسات مخالف حقوق اساسی بشر و آزادی بیان است ؟

##### ۵-۲-۱-فرضیه ها

۱.جرم انگاری اهانت به مقدسات مبتنی بر اصل ضرر اخلاق گرایی و مصلحت عمومی است .

۲.آیات و روایات زیادی برای شکل دهی مبنای دینی جرم انگاری اهانت به مقدسات در اسلام وجود دارد.

۳.جرم انگاری اهانت به مقدسات با آزادی بیان و حقوق اساسی بشر منافاتی ندارد .

#### ۶-۱-پیشینه ی تحقیق

جرم اهانت به مقدسات برای اولین بار در قانون مجازات سال ۱۳۷۵ به عنوان یک جرم عمومی شناخته شد و پس از آن در سال ۱۳۹۲ با کمی تغییر تکرار شد . بنابراین بررسی این جرم پیشینه ی طولانی

ندارد و تالیفات اندکی در بخشی از جنبه های این جرم منتشر شده است. مانند مقاله ی «جرم اهانت به مقدسات مذهبی» اثر سید حسین هاشمی (۱۳۸۹) که در این اثر تنها به بررسی جرم پرداخته شده است و مبانی جرم انگاری آن مورد توجه قرار نگرفته است.

و نیز مقاله ی «مسئولیت مدنی اهانت به مقدسات مسلمانان از دیدگاه حقوق بین الملل» به قلم عباس علی عمید زنجانی (۱۳۸۰) در این مقاله نیز نویسنده تنها خود جرم را از منظر حقوق بین الملل مورد بررسی قرار داده است و در مورد چرایی و علل جرم انگاری آن ساکت است.

همچنین برخی آثار پژوهشی دیگر مانند مقاله ی: «بررسی عناصر متشکله ی جرم اهانت به مقدسات مذهبی» به نگارش سعید مرجانی (۱۳۸۶) و پایان نامه ی «جرم اهانت به مقدسات مذهبی» اثر سیدکمال الدین موسوی (۱۳۷۸) در این موارد نیز تنها به مطالعه خود جرم و آثار آن پرداخته شده است و درباره ی مبانی جرم انگاری آن سخنی به میان نیامده است.

هم چنین بررسی کتب اساتید حقوق نشان می دهد موضوع جرم اهانت به مقدسات صرفاً در کتب جزای اختصاصی ۳ تحت عنوان جرایم علیه امنیت و آرامش عمومی مورد بررسی قرار گرفته است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱) و در مورد مبانی آن بحثی نشده است.

#### ۱-۷- نوآوری تحقیق

باتوجه به این که بررسی پایان نامه ی حاضر در پی چرایی و مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی می باشد. بیانگر تازگی و ضرورت رساله ی حاضر می باشد. در واقع آن چه وجه تمایز این رساله از دیگر موارد است بررسی تحلیلی مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات است که در سایر پژوهش ها به آن توجه نشده است.

#### ۱-۸- کاربردهای تحقیق

با توجه به ابهامات زیادی قانونی در خصوص جرم اهانت به مقدسات از یک طرف و وجود مجرمان زیاد در دادگاه ها در ارتباط با این جرم از طرف دیگر مشخص کردن مبانی جرم انگاری توهین به مقدسات می تواند ابهامات قانونی را رفع نماید و یا در مواردی قانون گذاران را به وضع یا اصلاح قانون وادار نماید و در نتیجه رسیدگی به پرونده های کیفری در مورد این جرم را تسهیل نماید.

## ۹-۱- روش تحقیق

این تحقیق به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای اعم از کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات چاپی و اینترنتی انجام یافته است. به این نحو که ابتدا با مراجعه به تألیفات مزبور، موضوع مورد بحث شناسایی و تبیین شده است و سپس سعی گردیده تمام موارد ممکن با توجه به مقصد بحث جمع‌بندی و ارائه گردد.

## ۱۰-۱- ساختار تحقیق

این رساله در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول به بیان مفاهیم و کلیات تحقیق پرداخته شده است. در فصل دوم با توجه به اهمیت شناخت جرم‌انگاری فلسفه و تاریخچه‌ی جرم‌انگاری را بررسی کرده ایم. در فصل سوم اصول و مبانی کلی جرم‌انگاری را بیان نموده ایم و در نهایت در فصل چهارم با جمع‌بندی مطالب از پیش گفته شده به موضوع اصلی تحقیق یعنی مبانی جرم‌انگاری توهین به مقدسات پرداخته ایم و در نهایت در فصل پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادات را مطرح کرده ایم.

## ۱۱-۱- واژه‌شناسی پژوهش

برای فهم بهتر موضوع پژوهش لازم است؛ عنوان آن و دیگر اصطلاحات به کار رفته در آن را به طور جزء جزء مورد بازخوانی قرار داده و مفاهیم پنهان در آن را که تا پایان پژوهش مورد استفاده خواهد بود آشکار کرده و آن چه منظور ما از آن بوده است را بیان کنیم. مشخص ساختن تعاریف و ارائه معانی و مفاهیم براساس تعاریف ذکر شده، منجر به انتقال معنای مورد نظر پژوهشگر به خواننده می‌گردد؛ چرا که ممکن است هر شخصی بر اساس برداشت خاص خود، واژگان مهم تحقیق را تعریف نماید و احیاناً هماهنگ با محقق نباشد و سرانجام، در دستاوردهای تحقیق به تفاهم نرسند؛ بنابراین، در ذیل به تبیین مفاهیم پرداخته می‌شود.

## ۱۱-۱-۱- مفهوم جرم‌انگاری

برای آشنایی بهتر با مفهوم «جرم‌انگاری» ابتدا لازم است تا تعریفی از واژه‌ی «جرم» ارائه داده و نظرات حقوقدانان درباره‌ی آن را بدانیم. عموماً در حقوق کیفری از جرم به عنوان فعل یا ترک فعلی تعریف شده است که برای آن مجازات تعیین گردیده باشد (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). جرم حقیقتی است بیرون از اراده‌ی قانون‌گذار و از این لحاظ ماهیت اجتماعی و وجود ثابتی دارد و شاید به دلیل فطرت واحد افراد بشر است که مایه‌ی شباهت نظام‌های کیفری با یک دیگر می‌شود.

با وجود این عناصر ناثابتی هم دارد که بخش متغیر و نسبی آن را تشکیل می دهد و موجب تفاوت های نظام های حقوقی خصوصاً کیفری در کشورهای مختلف می شود . این تغییر گاهی از عوامل سیاسی و اجتماعی ناشی می شود که امری طبیعی است و گاه از عوامل و متغیرهایی سرچشمه می گیرد (محمودی ، ۱۳۸۲: ۲۲).

برخی دیگر از نویسندگان از جرم به خطای عمومی یاد کرده اند از آنجا که عموم مردم به طور کلی از ارتکاب آن متاثر می شوند . برای مثال در این دیدگاه جرم تجاوز جنسی اثری بیش از ایراد ضرر به قربانی مستقیم خود دارد . با ارتکاب تجاوز ، جامعه مورد تهدید قرار گرفته و از امنیت آن کاسته می شود ؛ زیرا متجاوز ممکن است دوباره حمله کند . بنابراین جامعه حاضر نیست که تنها به پرداخت غرامت توسط مجرم به قربانی بسنده کند بلکه در پی زیان وارده به خود نیز هست ؛ در نتیجه تجاوز جنسی جرم شناخته شده و جامعه درصدد دستگیری متجاوز و مجازات وی بر می آید (کلارکسون ، ۱۳۷۴: ۱۷).

حال که با مفهوم جرم آشنا شدیم باید بدانیم که مبانی توجیه کننده ی جرم انگاری چیست؟ جرم انگاری یکی از ابزارها و مکانیزم های مهم سیاست جنایی هر کشور، در مقوله مبارزه با پدیده مجرمانه است که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد، نه تنها نتیجه ی مطلوب به دست نخواهد آمد، بلکه خود موجب پیدایش معضلات اجتماعی بسیاری خواهد گشت. در این معنا، جرم انگاری یکی از مفاهیم کلیدی در بحث سیاست جنایی نیز به شمار می آید که در مقام پاسخگویی به این پرسش است که اصولاً چه رفتاری باید جرم انگاری شود و به چه علتی؟ این سوال یکی از اساسی ترین سوالات از منظر سیاست جنایی محسوب می شود.

#### ۱-۲-۱۱- مبانی جرم انگاری:

اصطلاح «مبانی جرم انگاری» خود متشکل از دو اصطلاح «مبانی» و «جرم انگاری» است . که لازم است معنای هر کدام را هم به صورت مجزا و هم به صورت ترکیبی مورد بررسی قرار دهیم . با مفهوم جرم انگاری که قبلاً آشنا شدیم . اکنون مفهوم «مبانی» را مورد بررسی قرار می دهیم .

«مبانی» ، جمع مبنا به معنای جای است . اصحاب لغت در بیان آن از تعابیری چون بنیاد ، اساس و شالوده نیز بهره برده اند . هم چنان که از آن به ابتدا ، اصل ، اول ، بنیان و پایه نیز تعبیر شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۳/۲۱۴).

از آنجا که حقوق کیفری و جرم انگاری بخشی از علم حقوق محسوب می شود. برای فهم «مبانی جرم انگاری» ابتدا باید مراد از مبانی حقوق را بفهمیم. برخی از حقوقدانان معتقدند که مراد از مبانی حقوق ؛ پایه و دلیل و نیرویی است که قواعد حقوقی هر جامعه بر آن نهاده شده است. مبانی حقوق، به نوعی پاسخ به این پرسش است که تحمیل قانون بر همگان با چه دلیلی قابل توجیه است و چه عاملی از آن حمایت می کند؟ به طور خلاصه چرا باید از قانون پیروی کرد؟ بنابراین در مبانی حقوق سخن از سرچشمه ی قواعد حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۵).

در فرآیند جرم انگاری یک سری اصول و معیارهایی دخیل می باشند که درک بهتر مبنا و فلسفه ی جرم انگاری و اینکه چرا و به چه علّتی امری مورد نهی مقنن قرار می گیرد، در گرو شناخت این اصول می باشد. البته در همین خصوص باید به این نکته توجه داشت که اساساً جرم انگاری در جوامع مختلف و تحت تاثیر مکاتب فکری مختلف، از مبانی و معیارهای متفاوتی برخوردار است و نگرش هایی که درباره ی معیارهای جرم انگاری وجود دارد، عمیقاً امری شناختی بوده و در دل اندیشه های سیاسی و نوع ایدئولوژی حاکم شکل می گیرد (قماش، ۱۳۸۹: ۱۴).

باید دانست که همواره برای جرم انگاری یک عمل و به کیفر رسانیدن افراد، حتی آنگاه که آزادی دیگران را نقض کرده اند، باید دلایل کاملاً موجهی داشته باشیم. این دلایل همان مبانی جرم انگاری است. بنابراین مراد از مبانی جرم انگاری ریشه های فلسفی، جامعه شناختی و کلامی توسل به قاعده ی کیفری است. همچنین پاسخ به این پرسش که چرا دولت و جامعه به نمایندگی از آن ها حق دارد رفتاری را با تهدید کیفری منع یا الزام کند؟ مبنا، از ریشه ی قاعده ی حقوقی سخن به میان می آورد و هدف، غایت و نتیجه ی آن (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۰).

### ۱-۳-۱۱- اصول جرم انگاری

مفهوم دیگری که در این پژوهش مورد کاربرد ماست و باید مراد از آن مشخص گردد، اصول جرم انگاری است. چنان که گفتیم یکی از معانی لغوی «مبنا»، «اصل» است. اصول جرم انگاری که به نوعی تابع مبانی جرم انگاری هستند نوعاً از شرایطی سخن می گویند که بیان گر دلایل اخلاقی برای حمایت از قانون گذاری کیفری در موضوعی خاص است به گونه ای که در چنان شرایطی اقدام کیفری نامشروع تلقی نمی شود (محمودی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). مراد ما از مبانی جرم انگاری در این پژوهش همین اصول جرم انگاری توهین به مقدسات می باشد.

## ۱-۴-۱۱- مفهوم اهانت و تمایز آن از مفاهیم مشابه

توهین از یک سو ساده ترین، کم اهمیت ترین جرائم و از سوی دیگر پرماجرترین و یکی از فراوان ترین جرائم ممکن به شمار می رود؛ بارها دیده شده که یک توهین ایجاد تحریک احساسات نموده و طرف را وادار به ضرب و جرح و حتی قتل نموده است (عادلی، ۳: ۱۳۸۶).

اهانت در لغت، از ریشه عربی "وهن" گرفته شده و به معنی ضعف در کار و امر، ضعف پشت سر هم و سست گردانیدن است (بندرریگی، ۱۳۶۸: ۶۹۷). اهانت در لغت به معنای سبک داشتن کسی، خوار و ذلیل گردانیدن، توهین، تحقیر و استخفاف می باشد و در اصطلاح شرع، عبارت است از آن چه از خوارق عادت به دست کفار و بدکاران و برخلاف مدعای آنان به ظهور رسد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۱۱/۴). حروف اصلی اهانت "هون" و حروف اصلی توهین "وهن" است؛ ولی به دلیل تقارب و نزدیکی معانی شان در فرهنگ های فارسی، در ترجمه و تبیین معانی یکدیگر نوشته شده اند (معین، ۱۳۷۱: ۴۰۸/۱).

از مجموع آنچه در کتب لغت پیرامون دو واژه ی اهانت و توهین وجود دارد استفاده می شود که برحسب عرف هر قول و فعلی که باعث استخفاف، استحقار، استهزاء، خوار و پست و ذلیل گردانیدن انسانی شود اهانت است و هر گفتار، نوشتار و رفتاری که موجب تضعیف، سست کردن، سبک شمردن، حقیر و کوچک و خوار ساختن چیزی شود توهین است. در واقع اهانت و توهین کاربرد مشترک دارند.

اهانت در اصطلاح، عبارت از هر رفتاری است که بتواند به نحوی از انحاء، موجب وهن حیثیت طرف مقابل در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه گردد؛ و معنای حقوقی این واژه نیز با معنای لغوی آن سازگاری دارد و در اصطلاح حقوقی، توهین یا اهانت، عملی است که متضمن اسناد و اخبار نیست، بلکه به نحوی از انحاء در حیثیت متضرر از این جرم، نوعی وهن وارد می کند و یکی از شخصیت ها یا اشیاء یا اعتقادات مورد احترام دین اسلام تحقیر شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۱۵۳). بنابراین توهین در معنای عام، عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی اعم از گفتار، رفتار، کتابت و اشارت است که به نحوی در حیثیت و شرافت طرف جرم، وهن وارد آورد. (پاد، ۱۳۴۷: ۳۳۹/۱).

در معنای خاص، عبارت است از نسبت دادن هر امر، اعم از دروغ و راست و به هر وسیله و طریقه ای که باشد. به عبارت دیگر، هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف وعادت، موجب کسر شأن و یا باعث تخفیف یا پست شدن طرف گردد، توهین تلقی می شود (همان).

در فقه اسلامی جرمی به عنوان توهین یا اهانت مطرح نشده است، بلکه تاوهین در فقه با کلمات قذف و سبّ که از جرائم حدّی است و با کلمات تأذی، تعریض و هجو که از جرائم تعزیری است مطرح شده است؛ اما می توان با توجه به آنچه ذکر شد توهین یا اهانت را از لحاظ فقهی این گونه تعریف کرد که توهین یا اهانت فعل یا قولی است نسبت به شخص که به قصد تحقیر، استخفاف و اذیت و آزار انجام گیرد.

برای تشخیص این که گفتار یا کرداری موجب اهانت شده است یا خیر، در اینجا هم باید به ملاک های عرفی مراجعه کرد و عرف در اینجا راهنمای قاضی خواهد بود در مورد اینکه اهانت تنها با فعل مادی مثبت محقق می شود یا با ترک فعل نیز قابل تحقق است اختلاف نظر وجود دارد که احتمال دوم قوی تر به نظر می رسد (زراعت، ۱۳۷۷: ۴۹۳/۱). توهین ممکن است در قالب لفظ یا فعل باشد و توهین لفظی متداول تر است و نمونه ی بارز آن فحاشی و به کار بردن الفاظ رکیک می باشد (زراعت، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

اما توهین به مقدسات اسلامی، در برخی مقررات تابع ویژگی های خاصی است. مثلاً برخلاف توهین ساده که فقط توهین به افراد می باشد در اینجا مخاطب توهین کننده ممکن است ذات اقدس الهی، اشیاء و اماکن مقدس، زمان های مقدس و اعتقادات مقدس باشد. از نظر عرفی، توهین ساده به مردگان را جز در موارد خاص نمی توان کیفری نمود اما در توهین به مقدسات بر خلاف توهین ساده جرمی قابل گذشت نیست و تعقیب آن هم نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد (همان: ۱۴۶).

از آنجاکه الفاظی همچون: سبّ، شتم، قذف، لعن، بهتان، هتک حرمت، هجر، هجو، استهزاء، تحقیر، همز، لمز، فحش، از نظر لغوی هم معنی و یا قریب به معنای اهانت و توهین است ابتدا به تبیین چند مورد که استعمال بیشتر و از نظر معنا نزدیک تر به اهانت و توهین است پرداخته می شود:

الف) سبّ و شتم: سبّ و شتم دو واژه ی مترادف هستند و در فرهنگ ها و لغت نامه ها به یکدیگر ترجمه شده اند. مشتقات این دو کلمه یعنی، سبّ و شتم، سباب و شتام معادل و برابر هم قرار گرفته اند. البته در احادیث توهین به مقدسات بیشتر واژه ی سبّ وجود دارد. سبّ و شتم در لغت به معنی دشنام دادن، فحاشی، قطع و بریدن، طعن زدن، لعن و نفرین کردن، بدگویی، بدزبانی، بددهنی و زشت گویی معنی شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۹۱/۱).

سبّ و شتم، علاوه بر تکلم زبانی با افعال نیز امکان پذیر است. در فرق میان سبّ و شتم؛ سبّ را «شتم وجیع» و دردناک، شمرده اند. در حدیث نبوی سبّ فرزند برای پدر نکوهش گردیده است و

پیامبر اکرم (ص) در ضمن حقوق والد بر ولد فرموده اند: «...با دشنام و ناسزا به دیگری، پدرش را در معرض دشنام و ناسزا قرار ندهد». (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶/۷۱).

در فقه نیز اصطلاح خاصی برای سبّ و شتم وجود ندارد و بر همان معنای لغوی جاری است. سبّ در اصطلاح فقها به حدّ قذف زنا نمی رسد مانند گفته ای شارب خمر یا خورنده ی ربا و امثال این موارد از آنچه در بردارنده ی استخفاف و اهانت است (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۳۲/۴۱). چه سبّ با شتم مترادف باشد یا اخص، معنایش روشن است و آن اینکه سبّ به معنای فحش و دشنام است.

ب) قذف و لعن: قذف در لغت به معنای «رمی»، پرتاب نمودن، انداختن و افکندن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱/۶۶۱) همانطور که تیر را می توان پرتاب نمود و به سوی دیگری افکند هر چیزی را می توان به طرف دیگری پرتاب نمود. قذف برای سبّ و شتم استعاره گرفته شده است. از این رو دشنام دادن و به کار بردن هر کلام قبیحی قذف است، در واقع سبّ با سخنان زشت و آزاردهنده اش، مسبب را رمی می کند (همان: ۶۶۲). زشت ترین و آزاردهنده ترین سخنان، نسبت دادن زنا و لواط است. در اصطلاح فقه اسلامی و حقوق، قذف به نسبت دادن دیگری به زنا، لواط و انحراف جنسی اختصاص یافته است.

قذف به هر لغتی قابل تحقق است البته منوط است بر این که نسبت دادن صریح باشد و نسبت دهنده درک و فهمی از معنا داشته باشد در این میان، معرفت مقذوف شرط نیست؛ بنابراین اگر عربی به شخص فارسی بگوید: یا زانی با تحقق دیگر شرایط، قذف محقق است هر چند مقذوف قاذف را نفهمد (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۰۲/۴۱). لذا برای تحقق جرم قذف شرط است که لفظ صریح بوده و آشنایی قاذف به معنای لفظ نیز محقق باشد اگرچه شنونده معنای آن را نداند.

لعن به معنای دور کردن به نحو غضب، عقوبت، کیفر، عذاب در آخرت، دوری از رحمت و توفیق خداوند در دنیا و نفرین کردن بر غیر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۴۱/۱) کلمه ی لعن چندین بار در قرآن به کاررفته است و به این معنی است که وقتی خداوند کسی را لعن می نماید او را از رحمت خویش دور می نماید<sup>۱</sup>. همانطور که اصحاب سبّ (یهودیان) را لعن کرده و به بوزینه تبدیل کردیم<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا» احزاب: ۵۷

<sup>۲</sup> «... كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ...» النساء: ۴۷



؛ یعنی به سبب کفرشان آنان را طرد نمودیم تا از رحمت ما دور باشند و بهره ای نبرند.<sup>۳</sup> لعنت خدا بر ستمکارانی باد که ستم را از حد گذراندند و از این راه هیچ گاه عقبگرد نکردند و روز به روز بر قساوت و جور خود افزودند.<sup>۴</sup>

چنان که امام صادق (ع) فرمودند: ملعون است کسی که خود را تزکیه و پاک نکند اگرچه هر چهل روز یک مرتبه باشد. بعد به اصحابش فرمود: می دانید چه قصدی دارم و مقصودم چیست؟ گفتند نه یا ابن رسول الله! حضرت فرمود: یعنی به خودش خراش و زخمی وارد کند و لو این که خون هم نیاید، کاری کند که جسم را آزرده سازد. لغزشی در کار بدن به وجود آورد مرضی تولید گردد و ضربه ای به بدن برسد و صدمه ای را عارض گردد و امثال این عوارض (کلینی، ۴۰۷: ۲۸۵).

لعن در همه جا به یک شدت نیست در بعضی موارد خفیف است و در مواردی نهایت غضب خدا را می رساند.

لعن یک نوع عذاب است یعنی هیچ خیری به این ها نمی رسد و از رحمت خدا طردشده اند اما سبّ، مشتمل بر عذاب نبوده، بلکه ناسزاگویی است. شیطان را از این جهت لعین میگویند که از آسمان طردشده است. خداوند از سبّ و دشنام دادن معبود مشرکین نهی کرده است، چرا که آن ها نیز مقابله به مثل کرده و خداوند متعال را از روی ظلم و جهل سبّ می کنند<sup>۵</sup>، لذا از آیات قرآن استفاده می شود که لعن ظالمین جایز و بلکه سنّت خداوند تبارک و تعالی است؛ اما سبّ جایز نیست. امکان تحقق سبّ نسبت به خداوند از سوی کفار وجود دارد، ولی امکان تحقق لعن نسبت به خداوند از طرف مخالفان و کفار موجود نیست؛ چراکه این معنی قابل تصور نیست.

در مفهوم و معنای سبّ، اهانت و تنقیص دشنام داده شده معتبر است و باید عنوانی باشد که موجب اهانت دیگری باشد؛ از این جهت قصد اهانت معتبر است و تشخیص آن به عرف واگذار شده، که با مراجعه به عرف چنین شرطی استفاده می شود.

<sup>۳</sup> «...لَعْنَتِهِمُ اللَّهُ بُكْفَرِهِمْ...» النساء: ۴۶

<sup>۴</sup> «...أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» هود: ۱۸

<sup>۵</sup> انعام: ۱۰۸

ج) هُجر و هَجو: هجر (به ضم هاء) ، دشنام دادن، به کار بردن ناسزا و فحش با زبان و سخنان قبیحی است که به جهت قُبْح و زشتی اش رهاشده و ترک آن لازم است. هَجو و هِجاء ، شمارش عیب ها، بدگویی و دشنام دادن، نکوهش و عیب سازی است. به اعتقاد برخی هَجو و هِجاء به نکوهیدن و برشماری عیب ها در شعر اختصاص دارد. این اختصاص مشهور است اما هَجو و هِجاء همان طور که در شعر واقع می شود در نثر نیز امکان پذیر است. مدح و ستودن ضد هَجو است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۳۳/۱).

قانون گذار نیز این جرم را پیش بینی کرده و در ماده ی ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هَجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

بیان عیوب در قالب کلمه ی تنها یا جملات ناموزون بدون فعل و فاعل هَجو نیست، مثل اینکه بگوید «دیوانه»، بلکه این ها توهین ساده یا جرم دیگر است. بنابراین هَجو نوعی خاص از توهین است که در آن فرد با جملات موزون یا غیر موزون توصیف و سبب لطمه به اعتبار و آبرویش می شود، به نظر می رسد رابطه ی این دو با هم عموم خصوص مطلق باشد.

اکنون که با مفهوم اهانت آشنا شدیم و آن را از مفاهیم مشابه تمیز دادیم . به تشخیص اهانت در قانون می پردازیم.

#### ۱-۴-۱۱- تشخیص اهانت در قانون

اهانت را قانونگذار تعریف نکرده و ظاهراً تشخیص آن را به عرف واگذار نموده و لذا مصادیق آن در هر زمان و مکان و نزد هر جامعه و طائفه و در هر کیش و مذهب متفاوت است و از همین جا حساسیت موضوع از نظر تشخیص و استنباط دادگاه روشن می شود .

بعضی از اعمال از قبیل فحاشی و اسناد محرمانه و خلاف عفت و اخلاق حسنه به مقامات مذکور در ماده یا افکار رسالت انبیاء عظام یا تخریب و آلوده کردن زیارتگاههای مذهبی یا مقابر متبرکه به قصد توهین به شخص مدفون در آنجا نزد همه افراد به عنوان عملی توهین آمیز شناخته شده و در صدق آن اعمال

به مفهوم اهانت تردیدی نیست، ولی چه بسیار هستند اعمال دیگری که از خصوصیات زندگی و اعتقادات پیروان ادیان و مذاهب و جوامع بخصوصی بوده و نزد همه کس به این عنوان شناخته شده نیستند، از قبیل پوشیدن و یا نپوشیدن لباسهای مخصوص در زمانها و مکانهای مقدس، تراشیدن و یا نتراشیدن موهای بدن، گفتن و نگفتن کلمات، عبارات و اوراد مخصوص، خوردن یا نخوردن پاره ای از طعام ها، انجام ندادن پاره ای از فرائض مذهبی در مواقع مخصوص و غیره. همین ملاحظات است که موضوع اهانت به مقدسات مذهبی را جهت تطبیق عمل با عنوان بزه دارای حساسیت فوق العاده نموده و لذا عدم رعایت ظرافت کار ممکن است به حقوق افراد زیان کم و بیش غیر قابل جبرانی وارد نماید.

با توجه به اینکه عبارات توهین، اهانت و هتک حرمت که در مقررات جزائی به کار رفته در نزد حقوقدانان، قضات، وکلا و ... دارای تفاسیر مختلفی می باشد که برخی تفسیر موسع و بعضی تفسیر مضیق انجام داده اند. برای رفع این اختلاف نظر، با توجه به اینکه این قوانین و مقررات، توسط مجلس شورای اسلامی تصویب گردیده است مرجع تفسیر این قوانین و مقررات نیز مجلس می باشد لذا در سال ۱۳۷۹ استفساریه ای در این خصوص از مجلس درخواست گردیده است.

موضوع استفسار به قرار ذیل می باشد:

آیا منظور از عبارت ( توهین، اهانت و هتک حرمت ) مندرج در قوانین جزایی از جمله مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات عبارت است از به کار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می باشد؟ مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۰ / ۴ / ۱۳۷۹ ماده واحده ای را در پاسخ به این استفسار به قرار ذیل تصویب نموده که در تاریخ ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۷۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

«از نظر مقررات کیفری، اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال یا انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آن ها شود.»

در مورد ترک فعل اشکالی از این هم بیشتر است، مثل اینکه فرد مسلمانی هنگام ادای نام پیغمبر اکرم یا شنیدن نام ایشان که باصدای بلند تلاوت می شود از ذکر صلوات خودداری نماید، یا هنگام ورود به صحن مطهر مرقد پیامبر اکرم یا ائمه اطهار یا خروج از آن اماکن تعظیم ننماید یا در مواقعی که باید از

برداشتن کلاه خود امتناع کند از این قبیل . به نظر می رسد ظاهراً توهین از فعل ناشی می شود نه از ترک فعل (پیمانی، ۱۳۹۴: ۷۹).

#### ۱-۵-۱۱-دین

بدون تردید، واژه «دین» در ردیف آن دسته از مفاهیمی قرار دارد که همواره در میدان آرا و نظرات گوناگون صاحب نظران قرار داشته است (مصباح یزدی، ۱۳۶۵: ۲۸)؛ ولی به دست آوردن یک توافق مشترک در باره آن بسیار مشکل، بلکه محال است. از این رو، عده ای از محققان آن را قابل تعریف نمی دانند.

در دایرة المعارف دین آمده است:

«شاید هیچ کلمه ای غیر دین نباشد که همواره و آشکارا خیلی صاف و ساده به کار رود؛ ولی در واقع، نمایانگر نگرش هایی باشد که نه فقط بسیار متفاوتند، بلکه گاه مانعاً الجمع اند.» (الیاده، ۱۳۷۴: ۲۰۲)

واژه «دین» در لغت به معنای گوناگون از جمله، جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است. در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که از آنها معنای جزا، شریعت و قانون، طاعت و بندگی استنباط می شود. (علیزاده، ۱۳۷۷: ۶۶)

همین موارد استعمال واژه «دین» در قرآن می تواند به عنوان راهی شمرده شود برای شناسایی و به دست آوردن تعریف دین از دیدگاه اسلام. با این دقت، در خواهیم یافت که «دین عبارت است از اطاعت، گرایش، فرمانبرداری و تسلیم در برابر حقیقت» که در این صورت، با معانی لغوی نیز سازگاری بسیار خواهد داشت.

«تعریف دین از نظر اسلام را می توان از موارد استعمال واژه «اسلام» در قرآن نیز به دست آورد. «اسلام» نیز به معنی تسلیم و اطاعت است و این از آن جهت است که اسلام به معنای اصطلاحی (دینی که به وسیله محمد صلی الله علیه و آله ابلاغ شده) نیز بشریت را به تسلیم و اطاعت در برابر حقیقت کامل منحصر به فرد دعوت می نماید... این نکته از آیاتی که دین تمامی پیامبران را اسلام معرفی کرده نیز استفاده می شود.» (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۳۶۲۵)

با توجه به توضیحاتی که داده شد در معنای اصطلاحی «دین» چنین آمده است: